



۲۰۲۱/۰۹/۲۸



خالد صدیق

## دعا

الهی گردد این روز سیه روزی، گلستانی  
سر آید قصه اندوه و غم و این شام، پایانی  
الهی رحمتی، لطفی بحال بی سر انجامان  
به آن اورگان بی پناه و بی نگهبانی  
به آنانی که از هستی ندارند بهره دیگر  
بجز يك قلب نالانی، دو چشم اشکبارانی  
به احوال دل زخمی و خون آلوده مادر  
به آشک ان یتیمانی، به آه بی نوایانی  
به آن قشر ستمدیده بزیر چادران پنهان  
بآن گلگونه رخساری، به آن آهو بی نگاهانی  
بآن خلقی که جز ایمان ندارد بینش دیگر  
به آن بیچارگان بیخبر از علم و عرفانی  
به آن بگذشته از سر، نو جوان مردان عیاری  
به آن قوم ز خود رفته، به آن جمع پریشانی  
به آن کوچی، به آن بی خانمان چادر نشینانی  
به آن سرگشته گان کوه و صحرا و بیابانی  
به آن کربید گان دست استعمار و استثمار  
به آن آزادگان فطرت، که گردیده غلامانی  
به آن ملت که قربانی ازو حرص قدرت هاست  
به آن مردم که از خودنی سری دارد، نه سامانی  
به آن محنت کشان کار، به آن زحمت کشان زار  
به آن مزدور خانان و، به آن مردان دهقانی  
بآن محروم، بآن مایوس، به آن افتاده از انظار

به آن جمعیت مجروح، بآن بیدست و پایانی  
زمین آتش گرفته زیر پای برهنه پایان  
زمان هرلخته ریزد سنگها برسر، ز آسمانی  
خداوند، نجاتش ده ز دست کتله ضحاک  
ز دست اهرمن ها و زدست ان مسامانی  
الهی جز بسوی تو نداریم مرجع دیگر  
ترحم کن به حال مرد و زن، اولاد افغانی



برای مطالب دیگر خالد صدیق روی عکس کلیک کنید

